

درسنامه درس نهم ادبیات فارسی پایه هفتم

فصل چهارم: نامه‌ها و یادها

نام نیکوگر باندز آدمی به کزوماند سرای زر مکار

معنی: اگر نام خوب از انسان به یادگار بماند بهتر از این است که از او خانه‌های زیبا و مجلل باقی بماند.

لغت: زرنکار: دارای نقشی‌هایی از طلا، طلاکاری شده / سرا: خانه / به: بهتر / کزو: مخفف که از او

نکته ی دستوری: این بیت از سه جمله تشکیل شده است. نام نیکوگر باندز آدمی / به کزوماند سرای زر مکار /

فعل «است» بعد از «به حذف شده است: به (=بهتر)، «است» که از او سرای زرنکار ماند / سرای زرنکار: ترکیب وصفی است

تاریخ ادبیات: سعدی



شیخ مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، نویسنده و گوینده بزرگ قرن هفتم. وی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تعلم مشغول گشت. سعدی سفرهای بسیار کرد و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن

سعدبن زنگی (۶۲۳ - ۶۶۸ ه.ق.) به شیراز بازگشت و به تصنیف سعدی نامه یا بوستان (سال ۶۵۵) و گلستان (سال ۶۵۶) پرداخت. علاوه بر اینها قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده اند. وفات وی بین سالهای ۶۹۱ و ۶۹۴ ه.ق. در شیراز اتفاق افتاد و آرامگاه جدید او در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ ه.ش. برپا شده است.

درس نهم : کودک باهوش ، آشپز زاده وزیر ، گریه امیر



میرزا ابوالقاسم قائم مقام در هزاوه اراک (۱۱۵۸ - ۱۲۱۴ خورشیدی در تهران) میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳-۱۲۵۱ ه.ق) از سیاست مداران و صاحب منصبان صاحب نام و اهل هنر و ادبیات در نیمه اول قرن سیزدهم هجری بود .

تبار : میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، معروف به میرزا بزرگ از سادات فرزند سیدالوزراء میرزا عیسی، از مردم هزاوه فراهان از توابع اراک بود. اجداد او صاحب نام بودند و چند تن از آنان به خدمات مهم دولتی اشتغال داشتند. او در سال ۱۱۹۳ هجری قمری به دنیا آمد و زیر نظر پدر دانشمند خود تربیت

یافت و در تهران کارهای پدر را انجام داد و در آغاز جوانی علوم متداوله را آموخت. کتاب معروف وی **منشآت**

هست و تخلص (**ثنایی**) داشت و لقب « **سیدالوزراء** » و « **قائم مقام** » یافت و به وزارت نایب السلطنه ولیعهد ایران (محمد علی شاه) رسید
« **میرزا محمد تقی خان فراهانی** » (زاده : ۱۱۸۶، درگذشته: ۲۰ دی ۱۲۳۰) مشهور به **امیر کبیر**، یکی از صدراعظم های ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار بود.



ا صلاحات امیر کبیر اندکی پس از رسیدن وی به صدارت آغاز گشت و تا پایان صدارت کوتاه او ادامه یافت. مدت صدارت امیر کبیر ۳۹ ماه (سه سال و سه ماه) بود. وی مؤسس **دارالفنون** بود که برای آموزش دانش و فناوری جدید به فرمان او در تهران تأسیس شد. همچنین **روزنامه وقایع**

اتفاقیه از جمله اقدامات وی به شمار می آید. امیر کبیر پس از این که با توطئه اطرافیان شاه از مقام خود برکنار و به کاشان تبعید شد، در حمام فین به دستور ناصرالدین شاه به قتل رسید. پیکر وی در شهر کربلا به خاک سپرده شده است.

معنی واژه های درس

ارادت : دوستی، از روی اعتقاد و ایمان و بی ریایی / سرشار: لبریز، پر / از قضا: اتفاقاً / سرشناس: معروف، شناخته شده، نامدار / استعداد: توانایی، آمادگی / شاهد: حاضر، گواه، محبوب و معشوق، خدای تعالی / انیس: یار و همدم، انس گیرنده / شیوع: همه گیر شدن، آشکار شدن، متداول شدن، فاش شدن، رایج شدن / بهانه: دست آویز، عذر بیجا / صدراعظم: نخست وزیر / پشتکار: پایداری در پیش بردن و اتمام کاری / طراوت: شادابی، تازگی / تعارف: خوش آمد گفتن به یکدیگر، پیشکش دادن / فلسفه: علمی که در باره ی حقایق موجودات و علل وجود آنها بحث می کند. / جهل: نادانی / لهجه: زبان، طرز سخن گفتن و تلفظ، شکلی از یک زبان که با تغییراتی در یک ناحیه تکلم شود. مثل: گیلکی، لری و. / حکمت: دانش، دانایی، / عدل: راستی / لیاقت : شایستگی، سزاوار، درخور بودن / حلاوت: شیرینی / مکث: درنگ کردن / خرافات: سخنان بیهوده، افسانه، آنچه اساس علمی و معنوی نداشته باشد. / منشأ: محلّ پیدایش، اصل / خطاب: رویاروی سخن گفتن / مونس: یار، همدم / درد: رنج، ناخوشی، بیماری / وجد: خوشی بسیار، ذوق و شوق / درمان: علاج، دارو، چاره، دوا / هلهله: فریاد شادی، صدای درهم و برهم مردم / ذکاوت: تیز هوشی، زیرکی / رسا: بلند، رسنده، کلام شیوا / رسیده: ترسیده، گریخته / زهر: سم / ساقی: کسی که نوشیدنی به دیگری دهد. / آبله: نوعی بیماری واگیر دار / کاشف: آشکار کننده، کشف کننده / نامی: مشهور، نام آور / واکسینه: واکسن زده شده، مایه کوبی شده

نکات برجسته ی درس و معنی بیت های درس:

درس کودک باهوش

کاغذ ذهن: ترکیب اضافی، اضافه ی تشبیهی. ذهن به کاغذ تشبیه شده است که در آن چیزی می نویسند.

قلک ذهن: اضافه ی تشبیهی. ذهن به قلک تشبیه شده است که در آن چیزی می ریزند.

تضاد: هیاهو و سکوت / **مراعات نظیر:** باغ، طراوت، سرسبزی، برگ، سبزه / **مراعات نظیر:** نور، گرم، خورشید،

می درخشیدند / **لب گزید:** کنایه از شرم و خجالت / **باز ماندن چشم:** کنایه از تعجب

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

معنی بیت: شادابی و سرزندگی من در این جهان هستی، به این دلیل است که جهان ساخته ی دست اوست (خدا) و شادابی اش را از او می گیرد. من عاشق تمام مخلوقات عالم هستم زیرا همه ی هستی را او خلق کرده است .

قافیه: خرم ، عالم / ردیف: از اوست / تعداد جمله: ۴ (به جهان خرم از آنم / که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم / که همه عالم از اوست /) آرایه ی ادبی: تکرار: جهان ، عالم ، همه ، که / مراعات نظیر (جهان ، عالم ، خرم ، عاشق)

به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است / به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست (سعدی) (قرن ۷)

معنی بیت: زهر را به شیرینی و شادی تمام سر می کشم زیرا ساقی، معشوق زیبارو و حقیقی (خدا) است. هر دردی را با اشتیاق می پذیرم و تحمل می کنم زیرا که درمان درد نیز نزد همان طیب (خدا) است.

قافیه: هم (با واژه های قافیه در بیت های پیشین و پسین) / ردیف: از اوست / تعداد جمله: ۴ (زهر به حلاوت بخورم / که شاهد ساقی است / درد به ارادت بکشم / که درمان هم از اوست /)

آرایه ی ادبی: تضاد: درد و درمان / تضاد: حلاوت و زهر / شبکه معنایی (شاهد ، ساقی ، بخورم ، زهر ، حلاوت - درد ، درمان ، بکشم)

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد / دل رمیده می مارانیش و مونس شد (حافظ) (قرن ۸)

معنی بیت: ستاره ی بی مانندی شروع به درخشیدن کرد و همچون ماه تابان، روشن کننده ی مجلس شد و برای دل های نا آرام و وحشت زده ی ما، یار و همدم مناسبی گردید.

اشاره به تولد رسول اکرم (ص) دارد که به عنوان برگزیده ترین انسان، پا به جهان هستی نهاد.

قافیه: مجلس ، مونس / ردیف: شد / تعداد جمله: ۳ (ستاره ای بدرخشید / و ماه مجلس شد / دل رمیده ی ما را انیس و مونس شد)

آرایه ی ادبی: مراعات نظیر: ستاره ، ماه ، بدرخشید / تشخیص: دل رمیده ، فراری و گریزان بودن را (که ویژگی انسان است ، به دل نسبت داده است .) / تشخیص: ستاره انیس و مونس شد ، همدم و یار شدن که ویژگی انسان است ، به ستاره نسبت داده شده است . / ستاره استعاره از پیامبر اکرم (ص) است. بیت

خود ارزیابی صفحه ۷۳

۱- سوالات قائم مقام فراهانی برای آزمایش فرزندانش چه بود؟

الف- کاشف الكل که بود؟

ب- این شعر از کیست؟

« ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد . دل رمیده ما را انیس و مونس شد »

۲ - ویژگی های مشترک امیرکبیر و قائم مقام فراهانی چیست؟

هر دو به مقام صدر اعظمی در ایران رسیدند و خدمات زیادی را برای ایران انجام دادند

۳ - خدمات قائم مقام فراهانی و امیرکبیر به ایران چه بوده است؟

قائم مقام توجه زیادی به اصلاحات در ایران داشت و زمینه ساز حکومت داری به شیوه ی میهن پرستانه در ایران است و از نخستین کسانی است که به مبارزه با استعمار نوین در عصر جدید پرداخته است . امیر کبیر به مدرسه سازی نوین توجه داشت و در این راه مدرسه ((دارالفنون)) را که اولین مدرسه به شیوه نوین بود تاسیس کرد و همچنین رومه ((وقایع اتفاقیه)) با تلاش او منتشر شد و برای آگاه سازی مردم و دور کردن آن ها از جهل و خرافه همواره تلاش کرد

دانش زبانی : وابسته های اسم (۱) صفت بیانی صفحه ۷۳

به جمله های زیر، توجه کنید.

دانشجوی کوشا، مقاله خوبی نوشت.

باغبان مهربان، گل های صورتی را کاشت.

گروه های اسمی جمله های بالا را در جدول زیر، می بینیم.

جمله	گروه اسمی	هسته	وابسته پسین	گروه اسمی	هسته	وابسته پسین
۱	مقاله خوبی	مقاله	خوب (صفت بیانی)	دانشجوی کوشا	دانشجو	کوشا (صفت بیانی)
۲	گل های صورتی	گل ها	صورتی (صفت بیانی)	باغبان مهربان	باغبان	مهربان (صفت بیانی)

در هر چهار گروه اسمی، کلمه ای که بعد از اسم آمده است، « صفت بیانی » است که درباره چگونگی و ویژگی های اسم، توضیحاتی را بیان می کند. صفت بیانی معمولاً پس از اسم می آید و « وابسته پسین » اسم به شمار می آید. در نمونه های بالا واژه های کوشا، خوب، مهربان و صورتی، صفت بیانی هستند.

فعالیت های نوشتاری صفحه ۷۴

۱. واژه های مهمّ املائی را از متن درس بیابید و بنویسید.

فرزندان حقیقی، مسئول، اطرافیان، صدای رسا، خطاب، واکسینه، از قضا، حاضر، طراوت، ماه صفر، قلک، ذهن، قلم و کاغذ، ظرفها، هیاهوی کلاغها، فاصله، اسحاق، حکمت، استعداد بی نظیر، انیس و مونس، حفظ اشعار و مطالب، قائم مقام، معرفی

۲. در هر یک از جمله های زیر، صفت های بیانی را بیابید.

زنان **اندیشمند**، در سربلندی ایران **عزیز**، نقش **مؤثر** داشته اند.

من آینده ای **درخشان** برای این نوجوان می بینم.

برگ های **سبز**، زیر نور **گرم** خورشید می درخشیدند.

۳. کلمات زیر را با صفت های بیانی مناسب، گسترش دهید.

نمونه: حرم حرم مطهر

مطالب: مطالب مهم کاشف: کاشف بزرگ لهجه: لهجه ی غلیظ دریا: دریای موج

همزه (ء) یکی از حرف های الفبای زبان فارسی است. این حرف، مانند سایر حرف ها در خط فارسی، حرکت گذاری نمی شود؛ بنابراین بهتر است بنویسیم «قائم» و نه «قائم»؛ «مؤدب» و نه «مؤدب».

در املائی واژه هایی مانند «جزء اول» و «شیء نورانی»، نشانهء «—»، کسره نیست؛ به این نشانه، «نقش نمای اضافه» می گویند.

در نوشتن واژه های عربی همزه دار نیز باید توجه و دقت کافی داشت؛ مانند: «شأن، رؤیا، مؤسس، لؤلؤ، رؤس، توطئه، ان شاءالله»